

چهارشنبه ۲۳ / ۹ / ۱۴۰۱ جلسه ۴۹

موضوع: فقه شعائر / بررسی مصادیق شعائر / تکتف

در مصادیق شعائر، بحث شهادت ثالثه و سجده بر مهر مطرح شد، اگر در ما سؤال شد، اصرار شما برای سجده بر تربت امام حسین علیه السلام چیست؟ در پاسخ می‌گوییم روایات بسیاری داریم که دلالت بر فضیلت سجده بر تربت دارد، از جمله:

[۶۸۰۶] ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: السَّجُودُ عَلَى طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَنْوِّرُ إِلَى الْأَرْضِينَ السَّبْعَةِ، وَمَنْ كَانَتْ مَعَهُ سَبْحَةٌ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَتَبَ مَسْبُوحًا وَإِنْ لَمْ يَسْبَحْ بِهَا.^۱

سجده بر تربت زمین‌های هفتگانه را نورانی می‌کند و در روایات دیگر وارد شده است که: سجده بر تربت امام حسین علیه السلام حجاب آسمان‌های هفتگانه را می‌برد، و بین عبد و رب چیزی باقی نمی‌گذارد، ما بخاطر وجود چنین روایاتی از اهل بیت علیهم السلام به این خاک احترام می‌گذاریم، لذا خود شما هم اعتقاد دارید برخی اشیاء بخاطر انتساب به برخی از شخصیت‌ها ارزش بالاتری پیدا می‌کند، لباس رسول خدا تا بر قامت ایشان نرفته، معمولی است، ولی وقتی بر تن ایشان می‌نشیند، ارزش پیدا می‌کند.

همه عقلا عالم نسبت به اشیائی که نسبتی با عزیزان آنها، یا افراد مهمی ارتباط دارند، ارزش خاصی قائلند، عکس پدر با عکس غریبه تفاوت دارد، عکس پدر قاب می‌شود و احترام می‌شود، پس اشیاء بخاطر انتساب به اشخاص ارزش آنها تغییر می‌کند، لذا تربت امام حسین علیه السلام بخاطر انتساب به ایشان و تأکید روایی احترام می‌شود و سعی در سجده بر آن داریم، و اگر نباشد وجوب بر آن ثابت نمی‌شود.

شعیره سوم

باز بودن دست در نماز که شعار شیعه است، اما اهل سنت دست بسته می‌خوانند که تکتف یا تکفیر نام دارد. در مقام پاسخ می‌گوییم: اولاً تنها شیعیان دست باز نماز نمی‌خوانند بلکه مالکی‌ها هم دست باز نماز می‌خوانند، البته حکم آنها خاص است. پس اختصاص به شیعه ندارد بلکه از فرقه‌های اربعه اهل سنت، مالکی‌ها نیز دست باز نماز می‌خوانند. عدم جواز دست بسته نماز خواندن مختص شیعه است.

ابن رشد محمد بن احمد بن رشد اندلسی صاحب کتاب بدایة المجتهد و نهایة المقتصد، که این فرد عالم بزرگ فقه مالکی است، و در آخر عمر خویش به دستور خلیفه زمان خود از دار الخلافة به روستایی در اندلس بنام قرطبه و یا کردبا تبعید شد، کتاب‌های وی را نیز سوزاندند و بزرگترین فیلسوف اهل سنت است. این فرد در کتاب مذکور می‌گوید: الْمَسْأَلَةُ الْخَامِسَةُ اخْتَلَفَ الْعُلَمَاءُ فِي وَضْعِ الْيَدَيْنِ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فِي الصَّلَاةِ، فَكَرِهَ ذَلِكَ مَالِكٌ فِي الْفَرُضِ، وَأَجَازَهُ فِي النَّفْلِ.^۲

۱. وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملی، ج ۵، ص ۳۶۵، أبواب ما یسجد علیه، باب ۱۶، ج ۶، ۶۸۰۶، ط آل البيت.

۲. بدایة المجتهد ونهایة المقتصد، ابن رشد الحفید، ج ۱، ص ۱۴۶.

اما ما میگوییم دست بسته نماز خواندن بدعت است و جایز نیست.

آیا این عمل در نظر اهل سنت مستحب است و یا خیر؟

تکلف و یا تکفیر در نمازهای واجب مستحب است و مالک قائل به کراهت در نمازهای واجب شده.

این عمل در نظر اهل سنت مختلف گزارش شده، برخی می‌گویند: فوق السرّة (یعنی بالای ناف)، برخی می‌گویند: تحت السرّة، برخی می‌گویند: دست راست روی دست چپ و برخی بالعکس نقل کردند و در چندین شیوه اختلاف دارند و خود اهل سنت در آن اختلاف نظر دارند.

ولی ابن حزم در المحلی بالآثار می‌گوید - این فرد نیز اندلسی است و در کردبا متولد شده در سال ۳۸۴ و متوفای ۴۵۶ است، این فرد مروج مذهب ظاهری بود، مذهب داوود بن علی اصفهانی ظاهری که اخذ به قیاس و استحسان و تأویل را انکار می‌کرد و قائل به حمل اخبار بر معنای ظاهر آن است، ابن حزم نیز ابتدا مالکی و سپس شافعی و در آخر به فقه ظاهری روی آورد و این فرد بخاطر ظاهری گری خود توسط اهل سنت مهجور شد و یکی از نظرات وی جواز مطلق موسیقی و غناست و پوست مرده انسان را بوسیله دباغی پاک می‌داند و یکی از کتب وی الفصل فی الملل و الاهواء و النحل است - **یستحب ان يضع المصلی یده الیمنی علی یده الیسری فی الصلاة**^۱.

پس ما نیازمند اثبات نیستیم؛ چون تمام مذاهب اسلامی دست باز نماز خواندن را بدون اشکال می‌دانند و در نمازهای واجب نهایت مستحب می‌دانند بر خلاف مالک که مکروه می‌داند و همه مذاهب دست باز نماز خواندن را اشکال نمی‌گیرند.

روایاتی که اهل سنت به آن استدلال می‌کنند که آیت الله سبحانی در کتاب الاعتصام بالکتاب و السنّة بیان کردند و مناقشه دلالتی و سندی کردند.

نکته بعد اینکه حرمت این عمل و مبطل بودن این عمل به دلالت روایاتی است که از اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده است.

به قول ابن رشد: اصحابی که کیفیت نماز رسول خدا را نقل کردند، نگفتند که پیامبر اکرم چنین عملی را انجام دادند و اگر این عمل را انجام دادند چون حالتی غیر از حالت عادی و طبیعی بوده است اگر بوده باید ذکر می‌شد و از اینکه ذکر نشده مشخص می‌شود این حالت در نماز پیامبر نبوده است.

والسبب فی اختلافهم: أنه قد جاءت آثار ثابتة نقلت فيها صفة صلاته عليه الصلاة والسلام، ولم ينقل فیها أنه كان يضع یده الیمنی علی الیسری، وثبت أيضا أن الناس كانوا يؤمرون بذلك^۲.

و برخی این عمل را جایز نمی‌دانند و مالکی‌ها نیز تفصیل داده‌اند و باقی فرق نیز مستحب می‌دانند.

۱. المحلی بالآثار، ابن حزم، ج ۳، ص ۲۹.

۲. بدایة المجتهد ونهایة المقتصد، ابن رشد الحفید، ج ۱، ص ۱۴۶.

برخی از علمای اهل سنت توجیهی کردند به این مضمون که: این عمل موافق با ادب و خضوع در حال نماز است.

پاسخ‌های این توجیه

عبادات توقیفی هستند و در کیفیت آنها باید تابع پیامبر باشیم و ما امامیه از امامان معصوم علیهم السلام پیروی می‌کنیم. اصحابی کالنجوم هم کافی نیست چون برخی از اصحاب با یکدیگر اختلاف شدید داشتند. به ضمیمه صلوا کما رأیتمونی اصلی که توقیفیت را اثبات می‌کند. پس تکتف دلیل خاص می‌خواهد. و اینکه خضوع در حالات مختلفی است مثل قرار دادن دست بر گردن و یا کنار سر، هر کسی خضوعی دارد و اگر دلیل شما خضوع است باید انحصار حالت اهل سنت ثابت شود.

برخی از اهل سنت از جمله علاء الدین، أبو بکر بن مسعود بن أحمد الکاسانی حنفی متوفای ۵۸۷ و در حلب سوریه شهر رقه درس می‌گفته است که قبر ابن شهر آشوب هم در این شهر قرار دارد، در بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع چنین توجیه کرده‌اند که: **إِنَّهُمْ كَانُوا يَفْعَلُونَ ذَلِكَ مَخَافَةَ اجْتِمَاعِ الدَّمِ فِي رُءُوسِ الْأَصَابِعِ**^۱، برای جلوگیری از جمع شدن خون در سر انگشتان تکتف انجام می‌دادند، گویا گردش خون بستگی به پایین بودن دست‌ها و بالا بودن آنها وارد، پاها را چه می‌کنند و این است نتیجه خالی بودن دست از دلیل، در اعمال روزانه انسان هم چنین مشکلی بوجود نمی‌آید چه برسد به نماز که وقتی نسبت به دیگر کار هر نمی‌برد.

بررسی روایات باب در جلسه بعد خواهد آمد.

۱. بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، الکاسانی، علاء الدین، ج ۱، ص ۲۰۱.